

مقایسه رویکرد تربیتی و کنترلی والدین در مواجهه با فضای مجازی

لیلا شاه آبادی، زینب قاسمی¹

چکیده

در دنیای امروز، فضای مجازی به بخش جدایی ناپذیری از زندگی نوجوانان بدل شده و والدین ناگزیرند با شیوه‌ای مؤثر، تعامل فرزندان خود با این فضا را هدایت و مدیریت کنند. در این راستا، دو رویکرد اصلی یعنی رویکرد تربیتی و رویکرد کنترلی به عنوان الگوهای غالب رفتاری والدین در مدیریت فضای مجازی شناسایی شده‌اند. مسأله اصلی تحقیق آن است که کدام یک از این دو رویکرد در ایجاد تعادل بین آزادی دیجیتال و سلامت روانی نوجوانان کارآمدتر است. هدف تحقیق، بررسی ابعاد اثرگذاری هر رویکرد، تحلیل شرایط مناسب برای اعمال هر کدام و ارائه الگوی ترکیبی به منظور افزایش اثربخشی تعامل والدین با فرزندان در بستر دیجیتال است. روش تحقیق در این مطالعه، تحلیلی - توصیفی و مبتنی بر منابع علمی داخلی با رویکرد مقایسه‌ای است. داده‌ها از طریق تحلیل محتوای منابع علمی معتبر گردآوری شده و یافته‌ها به صورت تفصیلی دسته‌بندی شده‌اند. تلاش شده است تا با تلفیق دیدگاه‌های روان‌شناختی، تربیتی و فرهنگی، تصویر دقیق‌تری از رفتار والدین ترسیم گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد تربیتی به دلیل تأکید بر درونی‌سازی ارزش‌ها، گفت‌وگو و رشد مسئولیت‌پذیری، در بلندمدت مؤثرتر است، اما در شرایط بحرانی یا در سنین پایین‌تر، رویکرد کنترلی می‌تواند نقش بازدارنده موثری ایفا کند. پژوهش تلفیق هوشمندانه دو رویکرد را بسته به شرایط فردی و خانوادگی پیشنهاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فضای مجازی، والدین، تربیت دیجیتال، رویکرد کنترلی، نوجوان

¹. طلاب سطح دو، مدرسه علمیه تخصصی الزهراء (س)، شهرستان صحنه، fa614182@gmail.com

مقدمه

پیشرفت فناوری اطلاعات و گسترش فضای مجازی، الگوی ارتباطات و سبک زندگی در خانواده‌ها را دگرگون ساخته است. کودکان و نوجوانان به عنوان کنشگران اصلی این فضا، بیش از هر گروه دیگری در معرض آسیب‌های ناشی از آن قرار دارند. در این میان، نقش والدین به مثابه نهاد هدایت‌گر و محافظت‌کننده، بیش از گذشته حیاتی و تعیین‌کننده شده است. دو رویکرد اصلی در مواجهه والدین با مصرف رسانه‌ای فرزندان مطرح است: رویکرد تربیتی که بر آموزش، آگاه‌سازی و مسئول‌سازی فرزندان تکیه دارد و رویکرد کنترلی که بر اعمال محدودیت، نظارت و کنترل فیزیکی یا فنی تمرکز می‌کند. این مقاله در پی آن است که با تکیه بر منابع پژوهشی و تحلیلی، مقایسه‌ای جامع و نظام‌مند میان این دو رویکرد ارائه دهد و اثرات هر کدام را بر کیفیت تعامل والد-فرزند، سبک مصرف رسانه‌ای و کاهش آسیب‌های فضای مجازی بررسی نماید.

افزایش ضریب نفوذ اینترنت در خانواده‌ها، به‌ویژه میان نوجوانان، موجب شکل‌گیری نوعی "زیست مجازی" شده است که در آن کنشگران بخش زیادی از تعاملات، تفریحات، یادگیری و حتی شکل‌گیری هویت خود را در بستر دیجیتال تجربه می‌کنند. والدین برای مواجهه با این فضا، ناگزیر از اتخاذ یک رویکرد تربیتی یا کنترلی هستند. درحالی‌که برخی والدین از طریق نظارت‌های فنی، فیلترینگ یا تعیین زمان مصرف، تلاش می‌کنند کنترل بیشتری اعمال کنند (شاه‌محمدی، 1394، ص 35)، برخی دیگر با تکیه بر گفت‌وگو، آموزش و تفهیم مسئولیت، روش تربیتی را برمی‌گزینند (فجری، 1396، ص 75). با این حال، فقدان یک چارچوب تحلیلی منسجم برای مقایسه این دو رویکرد در سطح علمی و عملیاتی، موجب شده است که والدین دچار سردرگمی در اتخاذ سیاست‌های مؤثر باشند.

تسلط رسانه‌های دیجیتال بر زندگی روزمره، مرزهای سستی میان فضای خصوصی خانواده و دنیای بیرون را درهم شکسته است. فرزندان با داشتن دسترسی به ابزارهای هوشمند، در معرض محتوای متنوع فرهنگی، اخلاقی و ارزشی قرار دارند که می‌تواند با آموزه‌های دینی و فرهنگی خانواده در تعارض باشد (احمدی، 1392، ص 124). از طرفی، فضای مجازی امکانی برای رشد فکری، اجتماعی و خلاقیت نیز فراهم می‌کند و اینجاست که رویکرد

تربیتی نقش کلیدی ایفا می‌کند (امیری، 1396، ص 191). والدین به‌عنوان بازیگران اصلی در مدیریت این وضعیت، باید بتوانند میان هدایت آگاهانه و کنترل مقتدرانه تعادل برقرار کنند. اهمیت موضوع، از آن‌رو دوچندان است که مطالعات اخیر نشان می‌دهد سبک مواجهه والدین با فضای مجازی نقش مستقیمی در میزان بروز آسیب‌های رفتاری و عاطفی فرزندان دارد (غلامی، 1400، ص 252).

پرسش بنیادینی که مقاله حاضر در پی پاسخ به آن است، این است که: «رویکرد تربیتی و کنترلی والدین در مواجهه با فضای مجازی، چه تفاوت‌هایی در اثربخشی، پایداری رفتار مطلوب و کاهش آسیب‌های رسانه‌ای دارند؟» اهداف پژوهش عبارت‌اند از:

توصیف ویژگی‌ها و شاخص‌های هر دو رویکرد تربیتی و کنترلی
بررسی نقاط قوت و ضعف هر رویکرد در مواجهه با آسیب‌های مجازی
ارائه الگوی ترکیبی برای مدیریت متعادل مصرف فضای مجازی در خانواده
تحلیل زمینه‌های فرهنگی و روانی مؤثر در انتخاب هر رویکرد
از آنجاکه خانواده اولین نهاد اجتماعی در تربیت رسانه‌ای فرزندان است، ضعف در رویکرد والدین نسبت به فضای مجازی می‌تواند آسیب‌های گسترده‌ای بر فرزندان وارد سازد. گزارش‌های روان‌شناسی خانواده حاکی از آن است که استفاده بی‌رویه از فضای مجازی با افزایش طلاق عاطفی، کاهش گفت‌وگوی خانوادگی، اعتیاد رسانه‌ای و ضعف در تنظیم هیجانات فرزندان ارتباط معنادار دارد (فتحی، 1400، ص 45؛ ایزدجو، 1399، ص 68). از سوی دیگر، کنترل افراطی والدین می‌تواند منجر به سرکشی، پنهان‌کاری و بی‌اعتمادی شود (صحرانورد، 1395، ص 41). تحلیل عمیق این دو رویکرد، گامی مهم در ارائه راهکارهای عملی برای کاهش آسیب‌های مجازی است. این ضرورت زمانی مضاعف می‌شود که نسل جدید والدین نیز خود دچار شکاف دیجیتال با فرزندان هستند و نمی‌توانند تصمیمات دقیقی اتخاذ کنند (صدری، 1400، ص 88).

پژوهش‌های مختلفی به بررسی ابعاد فضای مجازی در خانواده پرداخته‌اند، اما تعداد اندکی به مقایسه نظام‌مند رویکردهای والدینی پرداخته‌اند. در پژوهشی، اسدی (1397، ص 93) به بررسی راهکارهای تربیتی برای مقابله با آسیب‌های رسانه‌ای پرداخت و تأکید کرد که شیوه تربیتی والدین تأثیر مستقیم بر خودکنترلی فرزندان دارد. همچنین اخباری (1394، ص 36) بیان می‌دارد که در نبود گفت‌وگوی آزاد و تربیت رسانه‌ای، رفتار نوجوانان در

فضای مجازی به سمت انزوا، وابستگی یا اختلالات هیجانی متمایل می‌شود. حسینی (1397، ص 60) نیز نشان داد که کنترل صرف و فیلترینگ، بدون آموزش ارزش‌های اخلاقی، اثر پایداری در تغییر رفتار نداشته و صرفاً موجب مخفی‌کاری رسانه‌ای می‌شود.

همچنین تحقیق امیری (1396، ص 198) نشان می‌دهد که آسیب‌های فضای مجازی در خانواده‌های فاقد سیاست‌های روشن تربیتی یا کنترل نظارتی دوچندان است. در همین راستا، پژوهش رجب‌زاده (1399، ص 58) نیز به نقش تنظیم هیجانی والدین در مواجهه با چالش‌های رسانه‌ای اشاره کرده است. این مطالعات تأکیدی بر آن است که برای درک جامع مسئله، باید به‌جای تمرکز صرف بر کنترل یا آزادی مطلق، به بررسی تطبیقی و تحلیلی رویکردهای والدینی پرداخت.

۱. مفهوم‌شناسی

در بررسی پدیده‌های اجتماعی نوظهور، مانند تعامل خانواده با فضای مجازی، فهم دقیق مفاهیم کلیدی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این بخش، سه مؤلفه‌ی اصلی این پژوهش شامل فضای مجازی، رویکرد تربیتی و رویکرد کنترلی والدین تبیین می‌گردند تا بستر مفهومی لازم برای تحلیل‌های بعدی فراهم آید.

۱.۱. فضای مجازی و نقش آن در زندگی نوجوانان

فضای مجازی، بستر جدیدی برای ارتباطات انسانی است که با ابزارهای هوشمند و پلتفرم‌های اینترنتی شکل گرفته و تعاملات اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و حتی عاطفی را متحول کرده است. تعریف دقیق آن، ناظر بر محیطی است که در آن محتوا، تعامل، بازی و ارتباط از طریق ابزارهای دیجیتال رخ می‌دهد (سروی زرگر، 1377، ص 62).

این فضا بیش از آنکه صرفاً فناورانه تلقی شود، یک زیست‌جهان جایگزین است که نوجوانان، به‌خصوص در سنین حساس بلوغ روانی و اجتماعی، بخش عمده‌ای از خودآگاهی و تعاملات بین‌فردی‌شان را در آن تجربه می‌کنند (غلامی، 1400، ص 250). تأثیر فضای مجازی بر نوجوانان نه تنها از جنبه محتوای دریافتی، بلکه از حیث شکل ارتباطات و نحوه تعریف هویت نیز چشمگیر است. نوجوانان در این فضا به ساختن و بازنمایی شخصیت خود می‌پردازند، هویت‌یابی می‌کنند و ارزش‌های خود را در معرض آزمون اجتماعی قرار می‌دهند (احمدی، 1392، ص 126).

از سوی دیگر، فضای مجازی محیطی باز و گاه رها از نظارت والدین تلقی می‌شود و چالش‌هایی چون مواجهه با محتواهای نامناسب، تعارض ارزشی، و شکل‌گیری رفتارهای اعتیادگونه را به همراه دارد (فتحی، 1400، ص 47). شناخت نقش این فضا در ساختار روانی و تربیتی نوجوان، برای طراحی سیاست‌های والدینی و سبک‌های مداخله حیاتی است.

۲.۱. رویکرد تربیتی والدین

رویکرد تربیتی والدین به فضای مجازی، مبتنی بر آموزه‌های روان‌شناسی رشد، تعلیم و تربیت و اخلاق خانواده است که تلاش دارد با روش‌هایی چون آموزش، گفت‌وگو، الگوسازی، ارتقای مهارت‌های تفکر انتقادی و تقویت خودنظارتی، نوجوان را در برابر چالش‌های فضای مجازی مصون‌سازی کند (اسدی، 1397، ص 96). این رویکرد ناظر بر پیشگیری بلندمدت، افزایش درک اخلاقی و رسانه‌ای و درونی‌سازی ارزش‌های فرهنگی است. در این مدل، والدین به جای تمرکز صرف بر منع یا نظارت، بر آموزش مواجهه مسئولانه، تحلیل محتوا، و ارتقای سواد رسانه‌ای نوجوانان متمرکزند. فرایند تربیتی، از منظر رفتاری نیز ناظر بر تقویت رفتارهای مثبت در مصرف فضای مجازی، ایجاد انگیزش درونی، و پرورش مهارت‌های گفت‌وگویی است (اخباری، 1394، ص 37). از منظر روان‌شناختی، این رویکرد مبتنی بر نظریه دلبستگی ایمن است که رابطه‌ی محبت‌آمیز والد-فرزند را مبنای تربیت قرار داده و معتقد است نوجوان در سایه اعتماد و ارتباط مؤثر، پذیرا تر از توصیه‌های والدین خواهد بود (امیری، 1396، ص 193).

۳.۱. رویکرد کنترلی والدین

در مقابل، رویکرد کنترلی والدین عمدتاً مبتنی بر اعمال محدودیت، استفاده از ابزارهای فنی (نظیر فیلترینگ، تعیین زمان دسترسی) و نظارت مستقیم یا غیرمستقیم بر فعالیت‌های مجازی فرزند است. در این رویکرد، کنترل رفتار مصرف رسانه‌ای از بیرون اعمال می‌شود و تمرکز بیشتر بر کاهش احتمال تماس با محتوای آسیب‌زا است تا رشد قدرت انتخاب درونی نوجوان (شاه‌محمدی، 1394، ص 49). کنترل والدین می‌تواند دو سطح داشته باشد: کنترل رفتاری (نظارت بر زمان و نوع استفاده) و کنترل روانی (تحمیل نگرش یا اجبار در تصمیم‌گیری). در حالی که کنترل رفتاری در مواردی مانند سنین پایین‌تر کودک می‌تواند کارآمد باشد، کنترل روانی معمولاً موجب سرکشی، مقاومت و دورزدن نظارت‌ها می‌شود (رجب‌زاده، 1399، ص 55).

۴. مقایسه تطبیقی رویکرد تربیتی و کنترلی

در مواجهه والدین با فضای مجازی، دو رویکرد عمده قابل شناسایی است: رویکرد تربیتی و رویکرد کنترلی. هر یک از این رویکردها، بر پایه مبانی تربیتی و روان‌شناختی خاصی استوار بوده و پیامدهای متفاوتی برای رشد روانی، شناختی و رفتاری فرزندان در پی دارند. تحلیل تطبیقی این دو رویکرد می‌تواند به تبیین بهتر اولویت‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های هر کدام در شرایط گوناگون خانوادگی کمک کند و در نهایت مسیر مطلوب‌تری برای مدیریت مصرف فضای مجازی در خانواده‌ها ترسیم نماید.

۱.۴. مزایا و معایب هر رویکرد

رویکرد تربیتی مبتنی بر آموزش، گفت‌وگو، الگوسازی و افزایش آگاهی فرزندان است. از مهم‌ترین مزایای این رویکرد می‌توان به درونی‌سازی تدریجی ارزش‌ها، رشد قدرت انتخاب آگاهانه و افزایش مسئولیت‌پذیری در نوجوان اشاره کرد (امیری، 1396، ص 189). همچنین این رویکرد موجب تقویت پیوند عاطفی بین والدین و فرزندان می‌گردد و در بلندمدت سطح اعتماد متقابل را ارتقاء می‌دهد (غلامی، 1400، ص 255). با این حال، اجرای موفق این رویکرد نیازمند زمان، حوصله، سواد رسانه‌ای کافی والدین و مهارت ارتباط مؤثر است و در صورت فقدان این عوامل، ممکن است منجر به بی‌عملی یا سهل‌انگاری در کنترل شود (فتحی، 1400، ص 47). در مقابل، رویکرد کنترلی بر اعمال محدودیت‌های زمانی، محتوایی و نظارت فنی بر فعالیت‌های دیجیتال نوجوانان متمرکز است. این شیوه می‌تواند در موقعیت‌های بحرانی یا در مواجهه با رفتارهای پرخطر مؤثر باشد و زمینه پیشگیری فوری از آسیب‌ها را فراهم سازد (صدری، 1400، ص 90). با این حال، اتکای صرف به کنترل می‌تواند حس بی‌اعتمادی، تضاد و مقاومت در نوجوان ایجاد کند و رشد استقلال فکری را تضعیف نماید (اخباری، 1394، ص 37).

۲.۴. شرایط مناسب برای هر رویکرد بسته به سن، جنس، تیپ شخصیتی فرزند

انتخاب میان رویکرد تربیتی یا کنترلی نباید یک‌جانبه یا تعمیم‌یافته باشد، بلکه باید بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی، سنی و حتی جنسیتی فرزند سنجیده شود. در دوران پیش‌نوجوانی، که وابستگی کودک به والدین بیشتر و توانایی تصمیم‌گیری مستقل محدودتر است، استفاده از شیوه‌های نظارتی و کنترلی نرم می‌تواند کارآمدتر باشد (ایزدجو،

1399، ص 70). برای مثال، تنظیم بازه‌های زمانی مشخص برای بازی یا استفاده از شبکه‌های اجتماعی در این دوره، ضمن حفظ اقتدار والد، می‌تواند کودک را به انضباط رسانه‌ای عادت دهد (احمدی، 1392، ص 127). در دوره نوجوانی، شخصیت فرد در حال تثبیت بوده و تمایل به استقلال افزایش می‌یابد. در این شرایط، اعمال کنترل سخت‌گیرانه اغلب منجر به تعارض‌های شدید می‌شود، در حالی که رویکرد تربیتی مبتنی بر مشارکت و گفت‌وگو می‌تواند با ساختار روانی نوجوان هماهنگ‌تر عمل کند (اصغریان، 1398، ص 124). همچنین، جنسیت و تیپ شخصیتی نیز در تعیین رویکرد مناسب مؤثر است؛ برای مثال، نوجوانان درون‌گرا ممکن است نسبت به فشارهای کنترلی واکنش‌های درونی منفی‌تری نشان دهند، در حالی که افراد برون‌گرا نیاز بیشتری به هدایت دقیق‌تر در محیط پرتحرک مجازی دارند (صحرانورد، 1395، ص 43).

۳.۴. لزوم تلفیق هوشمندانه دو رویکرد

با توجه به فرصت‌ها و محدودیت‌های هر دو رویکرد، آنچه در عمل می‌تواند اثربخش باشد، رویکردی ترکیبی و هوشمندانه است. این رویکرد به والدین این امکان را می‌دهد که در موقعیت‌های متفاوت، بین نظارت و آموزش تعادل برقرار کنند. در این مدل، آموزش ارزش‌ها، مهارت تحلیل محتوا، و تقویت روحیه گفت‌وگو در کنار تعیین مرزهای روشن زمانی و محتوایی به‌طور همزمان اجرا می‌شود (رجب‌زاده، 1399، ص 55). برای مثال، در هنگام مواجهه با یک محتوای آسیب‌زا، والدین می‌توانند همزمان با اعمال محدودیت دسترسی، فرصت بحث و تحلیل محتوایی را برای فرزند فراهم سازند و به جای حذف یک‌سویه، مسیر درک عمیق‌تری از خطرات را فراهم کنند (شاه‌محمدی، 1394، ص 59). چنین تلفیقی از تربیت و کنترل، علاوه بر کاهش واکنش‌های دفاعی نوجوان، موجب درونی‌سازی بهتر ارزش‌ها و شکل‌گیری رفتارهای سالم دیجیتال می‌شود (نصیری، 1400، ص 54).

۴.۴. توصیه‌های راهبردی برای والدین

بر پایه یافته‌های پژوهشی و تحلیلی این مقاله، می‌توان چند راهبرد کلیدی برای والدین پیشنهاد کرد. نخست آنکه، آگاهی والدین از سواد رسانه‌ای و روان‌شناسی رشد باید ارتقاء یابد تا توانایی انتخاب رویکرد مناسب در موقعیت‌های گوناگون را کسب کنند (حسینی، 1397، ص 64). دوم آنکه، ایجاد فضای گفت‌وگو و مشارکت فعال فرزندان در تدوین قوانین دیجیتال خانواده، باعث پذیرش بهتر مقررات و کاهش مقاومت‌های نوجوانان خواهد شد (میری، 1399، ص 172).

همچنین، بهره‌گیری از ابزارهای فنی کنترل والدین در کنار گفت‌وگوهای آزاد درباره محتوای فضای مجازی می‌تواند الگوی موفق برای نظارت همدلانه باشد (فجری، 1396، ص 78). والدین باید همواره خود الگویی از مصرف مسئولانه فضای مجازی باشند؛ زیرا تأثیر الگویی درونی‌شده، بسیار ماندگارتر از کنترل صرف بیرونی است (اسدی، 1397، ص 95).

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی جامع دو رویکرد تربیتی و کنترلی در مدیریت مصرف فضای مجازی، می‌توان نتیجه گرفت که هر دو رویکرد بسته به شرایط، اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. رویکرد تربیتی به دنبال رشد شخصیت مستقل، مسئول و آگاه در نوجوان است و بر ارتباط عاطفی والد-فرزند تکیه دارد. این رویکرد بر ارزش‌گذاری درونی، خودتنظیمی و مشارکت تأکید می‌ورزد.

در مقابل، رویکرد کنترلی بر پایه نظارت، محدودسازی زمانی یا محتوایی و استفاده از ابزارهای فناورانه استوار است. این رویکرد به‌ویژه در مراحل اولیه مواجهه کودک با فضای مجازی یا هنگام بروز رفتارهای پرخطر می‌تواند بازدارنده باشد و از انحرافات رفتاری پیشگیری کند.

با این حال، اتکای صرف به کنترل می‌تواند موجب مقاومت نوجوان، مخفی‌کاری، و کاهش اعتماد متقابل شود، و در مقابل، فقدان کنترل نیز ممکن است منجر به غفلت والدین و غرق‌شدن نوجوان در آسیب‌های فضای مجازی گردد. نتیجه کلیدی آن است که هیچ‌یک از این دو رویکرد به‌تنهایی کافی نیست.

کارآمدترین شیوه، اتخاذ رویکردی تلفیقی و منعطف است که در آن والدین ضمن حفظ نظارت و اعمال حد و مرزها، فرصت گفت‌وگو، مشارکت، آموزش و رشد مسئولیت‌پذیری را نیز فراهم آورند. در این راستا، آموزش والدین در زمینه سواد رسانه‌ای، مهارت ارتباط مؤثر و تحلیل موقعیت‌های تربیتی نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

فهرست منابع و مآخذ

1. احمدی، حمیرا، آسیب‌های فضای مجازی در خانواده ایرانی؛ مجله: مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی “ سال 1392 - شماره 286 (11 صفحه - از 121 تا 131)
2. اخباری، صدیقه، آسیب‌های فضای مجازی در تعلیم و تربیت نوجوانان؛ مجله: پیوند “ دی 1394 - شماره 434 (4 صفحه - از 35 تا 38)

3. اسدی، امید، آسیب‌های فضای مجازی برای خانواده و راهکارهای مقابله با آن؛ مجله: مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت " پاییز و زمستان 1397، سال اول - شماره 2 (20 صفحه - از 89 تا 108)
4. اصغریان، سپیده، مقایسه سبک‌های حل تعارضات زناشویی و الگوهای ارتباطی در زوجین با طلاق عاطفی و طلاق عادی؛ مجله: مطالعات علوم اسلامی انسانی " تابستان 1398- شماره 18 (جلد 4 (9 صفحه - از 121 تا 129)
5. اعراب شیبانی، خدیجه، بررسی رابطه سرسختی روانشناختی در پیش‌بینی طلاق عاطفی؛ مجله: روانشناسی و علوم رفتاری ایران " پاییز 1399 - شماره 23 (جلد دوم) (9 صفحه - از 37 تا 45)
6. امیری، مجید، بررسی نقش عوامل خانوادگی در تشدید آسیب‌های فضای مجازی در جامعه‌ی اسلامی؛ مجله: اخلاق " زمستان 1396، سال هفتم - شماره 28 رتبه علمی-ترویجی (حوزه علمیه/23) ISC (صفحه - از 185 تا 207)
7. ایزدجو، مهسا، پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی؛ مجله: مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران) " زمستان 1399، دوره ششم - شماره 4 (14 صفحه - از 62 تا 75)
8. حسینی، سید هادی، آسیب‌های فضای مجازی در بین خانواده‌ها؛ مجله: معارف اسلامی و تبلیغ و ارتباطات " بهار و تابستان 1397- شماره 12 (13 صفحه - از 57 تا 69)
9. رجب زاده، زهره، بررسی نقش تنظیم شناختی هیجانی در پیش‌بینی طلاق عاطفی، ص؛ مجله: روانشناسی و علوم رفتاری ایران " تابستان 1399 - شماره 22 (جلد دوم) (10 صفحه - از 53 تا 62)
10. شاه محمدی، غلام رضا، پیشگیری مبتنی بر فناوری اطلاعات از آسیب‌های فضای مجازی، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی " بهار 1394 - شماره 29 رتبه علمی-پژوهشی (وزارت علوم/38) ISC (صفحه - از 27 تا 64)
11. صحرانورد، شیما، مقایسه تمایز یافتگی خود و مؤلفه‌های آن در زنان متأهل با و بدون زمینه طلاق عاطفی؛ مجله: تحقیقات روانشناختی " پاییز و زمستان 1395 - شماره 29 (14 صفحه - از 37 تا 50)

12. صدری، سعید، پیشگیری از آسیب‌های فضای مجازی برای فرزندان؛ مجله: مبلغان "شهریور و مهرماه 1400 - شماره 268 (14 صفحه - از 86 تا 99)
13. غلامی، منظر، نقش آموزش و پرورش در مقابله با آسیب‌های فضای مجازی با تاکید بر شبکه‌های اجتماعی؛ مجله: پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش "مهر 1400 - شماره 40 (13 صفحه - از 249 تا 261)
14. فتاحی، ایت اله، رابطه سبک استفاده از فضای مجازی با تعارضات زناشویی، طلاق عاطفی و تعهد زناشویی؛ مجله: مطالعات فرهنگی پلیس "زمستان 1400 - شماره 31 (10 صفحه - از 42 تا 51)
15. فجری، علیرضا، راهکارهای صیانت از خانواده در برابر آسیب‌های فضای مجازی؛ مجله: اخلاق "زمستان 1396، سال هفتم - شماره 28 رتبه علمی-ترویجی (حوزه علمیه/23) ISC صفحه - از 61 تا 83)
16. میری، سمیه، فراتحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل موثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران؛ مجله: تغییرات اجتماعی - فرهنگی "بهار 1399، سال هفدهم - شماره 64 رتبه A (دانشگاه آزاد 17) صفحه - از 169 تا 185)
17. نصیری، ولی الله، آسیب‌های فضای مجازی بر سبک زندگی اقوام ایرانی (مطالعه موردی: قوم بختیاری)؛ مجله: مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان "پاییز و زمستان 1400، دوره اول - شماره 2 (13 صفحه - از 49 تا 61)